

Analyzing Profit Manipulation with Emphasis on the Role of Non-Executive Managers and Risk Management of Stock Price Falls Following Benford's Law in the Iranian Stock Market

Seyyed Hesam Vaghfi*, Hamed Alizadeh Birjandi**,
Sedigheh Kamran Rad***

Abstract

Despite the increase in the level of awareness and general knowledge of the beneficiaries of financial affairs, the main issue in investing decisions is the high reliance on accounting report numbers (especially accounting profit as one of the main performance appraisal criteria) that creates many motivations for managers to manipulate (manage) these numbers in their favor. This study is an attempt to examine the extent of profit manipulation by considering the role of non-executive managers and the risk of stock price falls using Benford's law and financial information of 1248 years of the listed companies during the years 2013-2020 in Tehran Stock Exchange. The results showed that the profit (loss) rate of the companies at risk of falling stock prices do not comply with Benford's law. However, the profit (loss) rate of companies without the risk of falling stock prices follow this law. The results also indicated that in companies with the risk of falling stock prices, differences with Benford's law were lower in cases where the present proportion of non-executive managers was higher.

Keywords: Profit manipulation, non-executives managers, risk of falling stock price, benford's law, iranian capital market

*Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Accountancy , Payame Nour University, Tehran, Iran

** Ph.D Candidate in Accountancy, Islamic Azad University, Semnan Branch, Semnan, Iran

*** Instructor, Department of Accountancy , Payame Nour University, Tehran, Iran

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.



تحلیل دست کاری سود با تأکید بر نقش مدیران غیرموظف و مدیریت ریسک سقوط قیمت سهام با استفاده از قانون بنفورد در بازار سهام ایران

سید حسام وقفی*، حامد علیزاده بیرجندی**، صدیقه کامران راد***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

چکیده

با وجود زیاد شدن میزان آگاهی‌ها و دانش عمومی بهره‌گیران از صورت‌های مالی، مسئله اصلی در تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری، اتکال زیاد بر اعداد گزارشات حسابداری (به خصوص سود حسابداری به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد) می‌باشد که می‌تواند برای مدیران انگیزه‌های شدید دست کاری در صورت‌های مالی را به نفع خود به وجود آورد. در این تحقیق تلاش می‌شود تا میزان دست کاری سود با در نظر گرفتن نقش مدیران غیرموظف و ریسک سقوط قیمت سهام با استفاده از قانون بنفورد و اطلاعات مالی ۱۲۴۸ سال - شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ از شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. نتایج بررسی‌های انجام شده نشان داد که ارقام سود (زیان) شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام از قانون بنفورد تبعیت نمی‌کنند. این در حالی است که ارقام سود (زیان) شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام از این قانون تبعیت می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام، اختلاف با قانون بنفورد در مواردی که نسبت بیشتر مدیران غیرموظف حضور داشتند، کم‌تر بود.

کلیدواژه‌ها: دست کاری سود؛ مدیران غیرموظف؛ ریسک سقوط قیمت سهام؛ قانون بنفورد؛ بازار سرمایه

ایران

طبقه‌بندی JEL: C39, G17, G10

vaghfi@pnu.ac.ir

alizadehamed@gmail.com

se.kamranrad@yahoo.com

* نویسنده مسئول: استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

** دانشجوی دکتری حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

*** مری، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-Commercial

Commercial

توزیع شده است.



مقدمه

خطر پایین آمدن قیمت سهم بازار، یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های سرمایه‌گذاران است. اگرچه خطر سقوط سهام به بازار مرتبط است، اما ممکن است به دلیل راهبردهای ریسکی باشد که مدیران شرکت برای رقبا انتخاب می‌کنند تا با افزایش سود، پاداش خود را به حداکثر برسانند. ریسک کاهش ارزش سهام یک جزء حیاتی در بازده سهام برای سرمایه‌گذاران است؛ زیرا برخلاف ریسک ناشی از نوسانات سیستمی، با تنوع نمی‌توان آن را کاهش داد (ساندر، ۲۰۱۰). وقتی اخبار بدی را که مدیران در شرکت نگه می‌دارند، به اوج خود می‌رسد، ناگهان خبر بد منتشر می‌شود و سرمایه‌گذاران سهام خود را برای فروش ارائه می‌دهند و باعث می‌شود قیمت سهام این شرکت در بازار افت کند. کاهش قیمت سهام به عنوان تجدیدنظر ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه‌گذاران در مورد سهام این شرکت شناخته می‌شود. کارایی و توسعه هر سازمان تاحدزیادی به استفاده صحیح از نیروی انسانی بستگی دارد. مدیران در سازمان‌ها، وضع‌کنندگان خط‌مشی و صاحبان قدرت هستند و عملکرد سازمان‌ها با قدرت آنان در ارتباط است. مدیران با به کارگیری منابع قدرت می‌توانند زمینه رشد و تعالی یا زمینه انحراف و فساد سازمان را فراهم آورند و این امر به ماهیت وجودی و چگونگی استفاده از قدرت و منابع آن بستگی دارد. قدرت، ویژگی اساسی نقش مدیر بوده است و زمینه اثربخشی او را در سازمان فراهم می‌سازد و پدیده اجتناب‌ناپذیر در سازمان است. مدیریت، موتور توسعه است، توسعه در کار گروهی و سازمانی است و به سامان‌رسیدن فعالیت‌های گروهی و سازمانی مستلزم مدیریت اثربخش است. واضح است که رهبران برای مؤثر بودن و اثربخشی به ابزارهای متفاوتی نیاز دارند و قدرت یکی از ابزارهای مؤثر بودن رهبران است. در رهبری آنچه مهم است فرایند نفوذ و اعمال قدرت بر دیگران است؛ موقعیت مدیران ارشد به عنوان یک منبع قدرت به حساب آمده و متصدی اصلی راهبرد نوآوری شرکت و به عنوان رهبر در ایجاد ارزش برای سهامداران محسوب می‌شوند (کاشی، ۱۳۹۹).

هیئت‌مدیره‌هایی که دارای استقلال بالایی هستند (به دلیل حضور مدیران غیرموظف) بر درک

سهامداران نسبت به اعتبار سود تحت شرایط مدیریت سود تأثیر می‌گذارند، زیرا نظارت هیئت‌مدیره قوی‌تر باید انجام فرایند گزارش مالی را تقویت نموده و برای سهامداران نسبت به اعتبار سودهای گزارش شده اطمینان فراهم نماید. به‌طوریکه سهامداران نظارت ایجاد شده توسط بیشترین استقلال اعضای هیأت‌مدیره (مدیران غیرموظف) را درک می‌کنند تا مدیریت سود را کاهش دهند (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱). در این بین، بیزلی^۱ (۱۹۹۶) نشان داد که تعداد بیشتر اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، احتمال تقلب در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. در دهه‌های اخیر، به‌دلیل تشدید رسوایی‌های مالی، حاکمیت شرکتی یکی از موضوعات مورد توجه ویژه محققان حسابداری بوده است. سازوکار مهمی برای حاکمیت شرکتی، حضور مدیران غیراجرایی در ترکیب هیئت‌مدیره است؛ به‌طوری‌که آنها نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش مسئولیت‌پذیری دارند. مدیران مستقل، با درک صحیح از نقش نظارت و رهبری خود، می‌توانند سلامت مالی شرکت را افزایش داده و از تضاد منافع بین بازیگران در نظام حاکمیت شرکتی جلوگیری کنند. بر این اساس، بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه حاکمیت شرکتی بر اهمیت نقش مدیران غیراجرایی در بهبود روند گزارش تأکید دارد و جایگاه هیئت‌مدیره شرکت به‌عنوان یک نهاد مدیریتی که ناظر بر کار مدیران است، اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند (اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹). اگرچه تاکنون حرفه حسابرسی مسئولیت کشف تقلب را نپذیرفته است، ولی این موضوع به‌معنای عدم توجه حساب‌برسان به موضوع تقلب نیست. یکی از روش‌هایی که حساب‌برسان می‌توانند به‌عنوان یک روش تحلیلی مورد توجه و استفاده خود قرار دهند، قانون بنفورد است. این قانون در علوم مختلف مورد استفاده قرار گرفته است و بیان می‌دارد: رقم اول داده‌هایی که به‌طور طبیعی به وقوع می‌پیوندند، از توزیع یکنواخت تبعیت نکرده و توزیع لگاریتمی خاصی را دنبال می‌کنند. به‌عبارتی طبق این قانون، احتمال وقوع ارقام با ارزش‌های پایین، بیشتر از سایر ارقام است. از این رو، این قانون چارچوب ارزشمندی را جهت تخمین صحت ارزش داده‌ها، ارائه می‌کند و به شناسایی الگوهای ناهنجار

در مجموعه داده‌ها می‌پردازد. از طرفی انتظار می‌رود که تقلب اعمال‌شده توسط مدیریت، داده‌ها را از مسیر اصلی خود منحرف نموده و باعث شود که داده‌های صورت‌های مالی شرکت‌های متقلب از این قانون تبعیت نکنند، ولی در شرکت‌های غیرمتقلب به علت عدم دست‌کاری داده‌ها، انتظار تبعیت داده‌ها از قانون بنفورد وجود دارد (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۷).

این مطالعه با استفاده از قانون بنفورد در بورس اوراق بهادار ایران برای بررسی اینکه آیا شرکت‌ها سود را مدیریت و دست‌کاری می‌کنند؟ انجام شده است و درحقیقت، دست‌کاری سود را با تمرکز بر نقش مدیران غیراجرایی و خطر کاهش قیمت سهام با روشی به نام قانون بنفورد انجام داده است. در نهایت تلاش می‌شود تا مشخص شود شرکت‌های دارای ریسک سقوط قیمت سهام و همچنین شرکت‌های فاقد ریسک سقوط قیمت سهام از این قانون تبعیت می‌کنند یا خیر. در این بین، حضور مدیران غیرموظف نیز به عنوان متغیری مداخله‌گر نیز مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. طبق این قانون، در فراوانی مشاهده اعدادی مانند اول، دوم و غیره، اعداد از الگوی خاصی پیروی می‌کنند؛ بنابراین، هنگامی که ارقام درآمد گزارش‌شده از این توزیع پیروی نمی‌کنند و تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد، نوعی دست‌کاری در اعداد درآمد مورد توجه قرار می‌گیرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰). در مورد نوآوری این پژوهش می‌توان بیان کرد که تحلیل رابطه دستکاری سود و ریسک سقوط قیمت سهام با نقش مدیران غیرموظف موضوعی است که تا به حال به آن پرداخته نشده است؛ به‌ویژه با توجه به اینکه از روش قانون بنفورد برای بررسی این رابطه استفاده می‌شود، به نوآوری پژوهش افزوده خواهد شد. در واقع مسئله این پژوهش پیرامون این مهم است که آیا خطر ریزش قیمت سهام با دست‌کاری سود ارتباط دارد یا خیر؟ در ادامه به بررسی چارچوب نظری پژوهش، پیشینه پژوهش، تعریف عملیاتی متغیرها، جامعه آماری و حجم نمونه، تجزیه و تحلیل داده‌ها و در نهایت به بحث و نتیجه‌گیری فرضیه‌ها پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

افت قیمت سهام، پدیده‌ای است که در آن قیمت سهام تحت تعدیل شدید و منفی قرار می‌گیرد (بادآورنهندی و داداش‌زاده، ۱۳۹۶). اگر شفافیت کامل در گزارشگری مالی (مدیریت سود) وجود نداشته باشد، مدیران انگیزه لازم را دارند که برای صیانت از شغل خود برخی از ضررها را پنهان کنند. این فرایند به معنای این است که عدم افشای ضررهای واقعی تا زمانی که مدیر در شرکت است، تداوم دارد. پس از خروج شرکت، مقدار زیادی ضرر و زیان ناشناخته وارد بازار می‌شود و باعث افت قیمت سهام می‌شود (هاتن^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). به علاوه، در یک محیط غیرشفاف گزارشگری، سرمایه‌گذاران قادر به شناسایی و کشف پروژه‌های زیان‌ده شرکت نیستند. عدم توانایی سرمایه‌گذاران در تمایز بین پروژه‌های سودآور و غیرسودآور در مراحل اولیه منجر به ادامه پروژه‌های غیرسودآور یا تشدید آنها و افزایش زیان آنها با گذشت زمان می‌شود. بازدهی منفی این گونه پروژه‌ها به مرور در شرکت به وجود می‌آید و وقتی اطلاعاتی درمورد آنها فاش شود، قیمت سهام به شدت افت خواهد کرد (کوتاری^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). خطر سقوط قیمت سهام به سقوط شدید ارزش حقوق صاحبان سهام اشاره دارد که موجب کاهش شدید ثروت سهامداران می‌شود. این حرکت نزولی، نگرانی‌های جدی را برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها ایجاد می‌کند؛ زیرا خطر سقوط قیمت سهام، در مدیریت ریسک و تصمیم‌های مدیریت تأثیر می‌گذارد. خطر سقوط قیمت سهام، احتمال افت غیرمعمول در قیمت سهام است که ممکن است بدون وقوع یک حادثه مهم اقتصادی رخ دهد (خیام‌پور و همکاران، ۱۳۹۹). کاهش قیمت سهام دارای سه مشخصه متمایز است:

۱. متغیری بسیار بزرگ و غیرنرمال در زمینه قیمت سهام است که بدون وقوع یک واقعه مهم اقتصادی رخ می‌دهد.
۲. این تغییرات بسیار بزرگ منفی هستند.

1. Hutton
2. Kothari

۳. این رخداد یک پدیده واگیر در سطح بازار است. این بدان معناست که کاهش قیمت سهام محدود به یک سهام خاص نیست و انواع سهام موجود در بازار را شامل می‌شود (بادآورن‌نندی و داداش‌زاده، ۲۰۱۷).

درواقع، این قانون یک چارچوب ارزشمند برای تخمین دقت مقادیر داده فراهم می‌کند و الگوهای ناهنجار را در مجموعه داده‌ها شناسایی می‌کند. تهیه جانبدارانه اطلاعات مالی باعث شد که محدودیت‌هایی برای کنترل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت ایجاد شود. در همین راستا، یکی از سازوکارهای مهم در راستای جلوگیری از مشکلات فوق و به تبع آن پدیده سقوط قیمت سهام، موضوع راهبری شرکتی است که به لزوم نظارت بر مدیریت شرکت و تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت به حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان می‌پردازد. استقرار مناسب سازوکارهای راهبری شرکتی که اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق همه ذی‌نفعان شرکت است، به استقرار صحیح نظام‌های مدیریتی منجر خواهد شد (کاشی، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

رستمی و جعفری درگیری (۱۳۹۲) با بررسی قانون بنفورد در بورس اوراق بهادار تهران دریافتند که داده‌های مورد مطالعه مطابق قانون عدد اول نیستند. همچنین نتیجه مشابهی در مطالعه اولین تعداد داده در دوره‌های قبل و بعد از حجم پایه و مطالعه توزیع اولین شماره از قیمت‌های نهایی روزانه برای هر شرکت در نمونه به دست آمد. عدم انطباق داده‌های مربوط به بورس اوراق بهادار با این قانون در نتیجه تأثیر آن بر نقل و انتقالات رخ داده در آن است. همچنین می‌تواند مربوط به تحریف‌های رفتاری بازار سرمایه باشد. نتایج پژوهش موسوی شیری و همکاران (۱۳۹۵) بیان می‌کند که با افزایش سرمایه‌گذاران نهادی، مدیریت سود نیز افزایش می‌یابد که می‌تواند ریشه در افق کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران نهادی، تبانی سیاست بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت

و انگیزه بزرگی برای مدیران برای دست‌کاری سود داشته باشد. نتایج این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که سطوح مختلف محافظه‌کاری هیچ تأثیری در مدیریت سود ندارند. هاشمی و حریری (۱۳۹۶) توانایی قانون بنفورد را در کشف و پیش‌بینی تقلب مالی ارزیابی کردند. نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که توزیع ارقام صورت‌های مالی از قانون بنفورد پیروی می‌کند. در واقع، این قانون می‌تواند برای بررسی سوءرفتار در صورت‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد. طبق نتایج آزمون فرضیه دوم، انحراف زیاد صورت‌های مالی از قانون بنفورد نشانگر وجود تقلب مالی است. نتایج فرضیه سوم نشان می‌دهد که در سال کشف تقلب، میزان انحراف از قانون بنفورد در مقایسه با سال‌های قبل از کشف تقلب کاهش می‌یابد. درحقیقت، عدم توانایی مدیران در دست‌کاری مجدد ارقام در سال کشف تقلب، انحراف صورت‌های مالی را از قانون بنفورد نسبت به سال‌های گذشته کاهش داده است. شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۷) توانایی قانون بنفورد در کشف تقلب در دو صورت سود یا زیان و ترازنامه را مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که بین درصد فراوانی نسبی واقعی اعداد مربوط به اولین رقم سمت چپ در شرکت‌های به‌ظاهر غیرمقلوب با درصد فراوانی نسبی پیش‌بینی‌شده براساس قانون بنفورد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، ولی در شرکت‌های به‌ظاهر متقلب بین آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این مطلب مؤید این است که قانون بنفورد توانایی کشف تقلب موجود در دو صورت‌حساب ترازنامه و صورت سود یا زیان را دارد. جمشیدی‌نویید و مهری (۱۳۹۷) رابطه بین دست‌کاری سود و مدل Z-Score را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج نشان داد که بین دست‌کاری سود و مدل Z-Score رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. آنها همچنین نشان دادند که اظهارنظر درمورد بحران مالی یک شرکت در هر یک از اشکال فقط یک هشدار درمورد وضعیت آینده شرکت است و نه تأیید نهایی بحران مالی آن؛ بنابراین توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران خطرپذیر از مدل آلتمن Z-Score برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها استفاده کنند. پورحسین (۱۳۹۸) به بررسی مطابقت داده‌های بورس اوراق بهادار تهران با قانون بنفورد پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اطلاعات مربوط به بازده روزانه سهام شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره پژوهش از این قانون تبعیت نمی‌کند که به دلایل مختلفی مانند تبدیلاتی که بر اطلاعات و داده‌ها انجام می‌شود و یا شرایط و وقایع تأثیرگذار در بازار بورس اوراق بهادار می‌توان اشاره کرد. خیام‌پور و همکاران (۱۳۹۹) ارزیابی سودمندی در تصمیم افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک در سطح شرکت حاوی اطلاعات سودمند در پیش‌بینی خطر سقوط قیمت بازار سهام شرکت‌هاست، اما در سطح صنعت رابطه معنی‌داری یافت نشد. افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک در سطح شرکت و در سطح صنعت حاوی اطلاعات سودمند در پیش‌بینی رفتار هم‌زمانی قیمت بازار سهام شرکت‌هاست. هرچه افشای مؤلفه‌های ریسک دارای شفافیت و اطلاعات سودمند بیشتری باشد، تأثیر بیشتری در افزایش قدرت پیش‌بینی و توضیح‌دهندگی خطر سقوط قیمت سهام و هم‌زمانی قیمت سهام دارند.

پیشینه خارجی

نیگرینی و میلر^۱ (۲۰۰۹) یک روش تحلیلی را براساس قانون بنفورد در حسابرسی ایجاد کردند. آنها نشان دادند که روش تجزیه و تحلیل مبتنی بر قانون بنفورد می‌تواند در تشخیص معاملات، رویدادها و روندهای غیرمعمول و شناسایی علائمی که سایر روش‌های تحلیلی حسابرسی قادر به تشخیص آنها نیستند، مفید باشد. هانسلمن^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در یک مطالعه نشان دادند که داده‌های گزارش سالانه شرکت‌ها با قانون بنفورد مطابقت دارد و ابزاری کاربردی برای کمک به سرمایه‌گذاران در ارزیابی ریسک در روند تصمیم‌گیری است. شین^۳ و همکاران (۲۰۱۵) با بررسی رابطه بین ساختار رقابت در صنعت و خطر سقوط قیمت سهام نشان دادند که انحصار یا رقابت در بازار با خطر کاهش قیمت سهام رابطه مثبت دارد و تعادل رقابت در ساختار صنعت به کاهش خطر سقوط سهام کمک می‌کند. در مطالعه‌ای با استفاده از قانون بنفورد، لین^۴ و همکاران (۲۰۱۴)

1. Nigrini and Miller
2. Henselmann
3. Xin
4. Lin

رابطه بین محافظه‌کاربودن، سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود را بررسی کردند. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق آنها نشان می‌دهد که با افزایش میزان محافظه‌کاری، مدیریت سود کاهش می‌یابد. به‌علاوه نتایج پژوهش رابطه منفی بین مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی را نیز تأیید نمودند. ایندرا بودیمان و هیدایت^۱ (۲۰۱۶) در تحقیقی تحت عنوان تجزیه و تحلیل قانون بنفورد در شرکت‌ها، رابطه بین تقلب و قانون بنفورد را بررسی کردند و انحراف از قانون بنفورد را ملاک پیگیری تقلب در صورت‌های مالی قرار دادند. کیم^۲ و همکاران (۲۰۱۶) گزارش داده‌اند که پرداخت سود سهام به سیاست‌های مدیران در انتخاب روند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری بستگی دارد و عدم پرداخت سود سهام یکی از عوامل مؤثر در کاهش قیمت سهام شرکت‌هاست. آنها نشان دادند که سود سهام خبرهای بد را کاهش می‌دهد، ولی سهام‌آخبار بد خطر کاهش قیمت سهام را کاهش نمی‌دهد. ال مائویی و ریپ^۳ (۲۰۱۸) نشان دادند که استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از قانون بنفورد ابزاری مؤثر در نشان‌دادن دست‌کاری‌های مدیریتی در روند تخصیص سرمایه شرکت است. هو^۴ و همکاران (۲۰۲۰) اصلاحات هیئت‌مدیره شرکت‌ها و خطر سقوط قیمت سهام را مورد بررسی قرار دادند و متوجه شدند که اصلاحات هیئت‌مدیره با کاهش قابل توجه ریسک سقوط حدود ۱۳٪ همراه است. تأثیر اصلاحات بر ریسک سقوط بین شرکت‌ها با مشکلات جدی‌تر منطقه بیشتر است. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که اصلاحات هیئت‌مدیره با بهبود شفافیت مالی و افزایش کارایی سرمایه‌گذاری، ریسک سقوط را کاهش می‌دهند. در مجموع، یافته‌های پژوهش با این مفهوم سازگار است که اصلاحات هیئت‌مدیره موجب بهبود نظارت هیئت‌مدیره و کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود. هوانگ^۵ و همکاران (۲۰۲۰) آنالیز کیفیت داده‌های سطح شرکت در چین با استفاده از قانون بنفورد را انجام دادند. آنها از یک روش آماری جدید، قانون بنفورد برای ارزیابی کیفیت داده‌های سرشماری صنعتی چین CIC استفاده

1. Indrabudiman and Hidayat
2. Kim
3. El Mouaaouy and Riepe
4. Hu
5. Huang

کردند. آنها نشان دادند که این روش برای کشف بی‌نظمی‌های اطلاعاتی مؤثر است. براساس خروجی صنعتی پیش‌بینی شده از سوی متغیرهایی که کم‌تر قابل دست‌کاری هستند، آنها نشان می‌دهند که شرکت‌های دارای انواع مختلف مالکیت، رفتار متفاوتی را در جهت دست‌کاری داده‌ها نشان می‌دهند و هیچ شواهد قطعی از دست‌کاری داده‌ها توسط شرکت‌های دولتی (SOE) پیدا نکردند، درحالی‌که شرکت‌های خصوصی تمایل دارند عملکرد خود را کم گزارش کنند.

جدول ۱. خلاصه تحقیقات پیشین

| نویسنده (سال) | هدف (مسئله تحقیق) | روش تحقیق | یافته‌های کلیدی |
|-------------------------------|--|--------------|---|
| رستمی و جعفری درگیری (۱۳۹۲) | بررسی قانون بنفورد در بورس اوراق بهادار تهران | قانون بنفورد | داده‌های مورد مطالعه مطابق قانون عدد اول نیستند. همچنین نتیجه مشابهی در مطالعه اولین تعداد داده در دوره‌های قبل و بعد از حجم پایه و مطالعه توزیع اولین شماره از قیمت‌های نهایی روزانه برای هر شرکت در نمونه به دست آمد. عدم انطباق داده‌های مربوط به بورس اوراق بهادار با این قانون در نتیجه تأثیر آن بر نقل و انتقالات رخ داده در آن است. همچنین می‌تواند مربوط به تحریف‌های رفتاری بازار سرمایه باشد. |
| موسوی - شیری و همکاران (۱۳۹۵) | ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه- کاری و سرمایه‌گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد | قانون بنفورد | با افزایش سرمایه‌گذاران نهادی، مدیریت سود نیز افزایش می‌یابد که می‌تواند ریشه در افق کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران نهادی، تباری سیاست بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت و انگیزه بزرگی برای مدیران برای دست‌کاری سود داشته باشد. |

| نویسنده (سال) | هدف (مسئله تحقیق) | روش تحقیق | یافته‌های کلیدی |
|-----------------------------------|--|-----------------|--|
| هاشمی و حریری (۱۳۹۶) | توانایی قانون بنفورد را در کشف و پیش‌بینی کشف تقلب مالی | قانون بنفورد | توزیع ارقام صورت‌های مالی از قانون بنفورد پیروی می‌کند. در واقع، این قانون می‌تواند برای بررسی سوءرفتار در صورت‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد و انحراف زیاد صورت‌های مالی از قانون بنفورد نشانگر وجود تقلب مالی است و در سال کشف تقلب، میزان انحراف از قانون بنفورد در مقایسه با سال‌های قبل از کشف تقلب کاهش می‌یابد. در حقیقت، عدم توانایی مدیران در دست‌کاری مجدد ارقام در سال کشف تقلب، انحراف صورت‌های مالی را از قانون بنفورد نسبت به سال‌های گذشته کاهش داده است. |
| شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۷) | توانایی قانون بنفورد در کشف تقلب در دو صورت ترازنامه و سود یا زیان | قانون بنفورد | بین درصد فراوانی نسبی واقعی اعداد مربوط به اولین رقم سمت چپ در شرکت‌های به‌ظاهر غیرمقلب با درصد فراوانی نسبی پیش‌بینی شده براساس قانون بنفورد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ولی در شرکت‌های به‌ظاهر مقلب بین آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این مطلب مؤید این است که قانون بنفورد توانایی کشف تقلب موجود در دو صورت‌حساب ترازنامه و صورت سود یا زیان را دارد. |
| جمشیدی‌نوید و مهری (۱۳۹۷) | دست‌کاری سود و مدل Z-Score در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران | رگرسیون | رابطه بین دست‌کاری سود و مدل Z-Score را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج نشان داد که بین دست‌کاری سود و مدل Z-Score رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. آنها همچنین نشان دادند که اظهارنظر در مورد بحران مالی یک شرکت در هر یک از اشکال فقط یک هشدار در مورد وضعیت آینده شرکت است و نه تأیید نهایی بحران مالی آن؛ بنابراین توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران خطرپذیر از مدل آلتمن Z-Score برای پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها استفاده کنند. |

| نویسنده (سال) | هدف (مسئله تحقیق) | روش تحقیق | یافته‌های کلیدی |
|---------------------------------|--|-----------------|--|
| پورحسین (۱۳۹۸) | مطابقت داده‌های بورس اوراق بهادار تهران با قانون بنفورد | قانون بنفورد | اطلاعات مربوط به بازده روزانه سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره پژوهش از این قانون تبعیت نمی‌کند که دلایل مختلفی مانند تبدیلاتی که بر اطلاعات و داده‌ها انجام می‌شود و یا شرایط و وقایع تأثیرگذار در بازار بورس اوراق بهادار دارد. |
| خیام‌پور و همکاران (۱۳۹۹) | ارزیابی سودمندی در تصمیم افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک | رگرسیون | افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک در سطح شرکت حاوی اطلاعات سودمند در پیش‌بینی خطر سقوط قیمت بازار سهام شرکت‌هاست، اما در سطح صنعت رابطه معنی‌داری یافت نشد. افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک در سطح شرکت و در سطح صنعت حاوی اطلاعات سودمند در پیش‌بینی رفتار هم‌زمانی قیمت بازار سهام شرکت‌ها است. هرچه افشای مؤلفه‌های ریسک دارای شفافیت و اطلاعات سودمند بیشتری باشد تأثیر بیشتری در افزایش قدرت پیش‌بینی و توضیح‌دهندگی خطر سقوط قیمت سهام و هم‌زمانی قیمت سهام دارند. |
| نیگرینی و میلر (۲۰۰۹) | تشخیص داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مرتبه دوم بنفورد در حسابرسی. | قانون بنفورد | یک روش تحلیلی را براساس قانون بنفورد در حسابرسی ایجاد کردند. آنها نشان دادند که روش تجزیه و تحلیل مبتنی بر قانون بنفورد می‌تواند در تشخیص معاملات، رویدادها و روندهای غیرمعمول و شناسایی علائمی که سایر روش‌های تحلیلی حسابرسی قادر به تشخیص آنها نیستند، مفید باشد. |

| نویسنده (سال) | هدف (مسئله تحقیق) | روش تحقیق | یافته‌های کلیدی |
|------------------------------------|---|--------------|---|
| هانسلمن و همکاران (۲۰۱۳) | اعمال قانون بنفورد در گزارش‌های مالی فردی: یک مطالعه تجربی مبتنی بر سوابق SECXBRL | قانون بنفورد | در یک مطالعه نشان دادند که داده‌های گزارش سالانه شرکت‌ها با قانون بنفورد مطابقت دارد و ابزاری کاربردی برای کمک به سرمایه‌گذاران در ارزیابی ریسک در روند تصمیم‌گیری است. |
| شین و همکاران (۲۰۱۵) | بررسی رابطه بین ساختار رقابت در صنعت و خطر سقوط قیمت سهام | رگرسیون | انحصار یا رقابت در بازار با خطر کاهش قیمت سهام رابطه مثبت دارد و تعادل رقابت در ساختار صنعت به کاهش خطر سقوط سهام کمک می‌کند. |
| لین و همکاران (۲۰۱۴) | در مطالعه‌ای با استفاده از قانون بنفورد، رابطه بین محافظه‌کاربودن، سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود | قانون بنفورد | با افزایش میزان محافظه‌کاری، مدیریت سود کاهش می‌یابد. همچنین رابطه منفی میان مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی نیز مورد تأیید قرار گرفت. |
| این‌درا بودیمان و هیدایت (۲۰۱۶) | تجزیه و تحلیل قانون بنفورد در شرکت‌ها برای بررسی رابطه بین تقلب و قانون بنفورد | قانون بنفورد | آنها انحراف از قانون بنفورد را ملاک پیگیری تقلب در صورت‌های مالی قرار دادند. |

| نویسنده (سال) | هدف (مسئله تحقیق) | روش تحقیق | یافته‌های کلیدی |
|---------------------------|--|-----------------|---|
| کیم و همکاران (۲۰۱۶) | پرداخت سود سهام و خطر سقوط قیمت سهام | رگرسیون | پرداخت سود سهام به سیاست‌های مدیران در انتخاب روند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری بستگی دارد و عدم پرداخت سود سهام یکی از عوامل مؤثر در کاهش قیمت سهام شرکت‌هاست. آنها نشان می‌دهند که سود سهام خبرهای بد را کاهش می‌دهد، ولی سهام اخبار بد خطر کاهش قیمت سهام را کاهش نمی‌دهد. |
| ال مائویی و ریپ (۲۰۱۸) | بنفورد و بازارهای سرمایه داخلی: شاخص مفیدی برای اطمینان مدیران | قانون بنفورد | استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از قانون بنفورد ابزاری مؤثر در نشان دادن دست‌کاری‌های مدیریتی در روند تخصیص سرمایه شرکت است. |
| هو و همکاران (۲۰۲۰) | اصلاحات هیئت‌مدیره شرکت‌ها و خطر سقوط قیمت سهام | رگرسیون | اصلاحات هیئت‌مدیره با کاهش قابل توجه ریسک سقوط حدود ۱۳٪ همراه است. تأثیر اصلاحات بر ریسک سقوط بین شرکت‌ها با مشکلات جدی‌تر منطقه بیشتر است. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که اصلاحات هیئت‌مدیره با بهبود شفافیت مالی و افزایش کارایی سرمایه‌گذاری، ریسک سقوط را کاهش می‌دهند. در مجموع، یافته‌ها با این مفهوم سازگار است که اصلاحات هیئت‌مدیره موجب بهبود نظارت هیئت‌مدیره و کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود. |
| هوانگ و همکاران (۲۰۲۰) | آنالیز کیفیت داده‌های سطح شرکت در چین با استفاده از قانون بنفورد | قانون بنفورد | این روش برای کشف بی‌نظمی‌های اطلاعاتی مؤثر است. براساس خروجی صنعتی پیش‌بینی شده از سوی متغیرهایی که کم‌تر قابل دست‌کاری هستند، آنها نشان می‌دهند که شرکت‌های انواع مختلف مالکیت، رفتار متفاوتی را در جهت دست‌کاری داده‌ها نشان می‌دهند و هیچ‌گونه شواهد قطعی از دست‌کاری داده‌ها توسط شرکت‌های دولتی (SOE) پیدا نکردند، درحالی‌که شرکت‌های خصوصی تمایل دارند عملکرد خود را کم‌گزارش کنند. |

برای رسیدن به اهداف تحقیق و ضمن در نظر گرفتن مبانی نظری و پیشینه، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر طراحی و شکل‌بندی شده است:

فرضیه ۱: در شرکت‌هایی که خطر سقوط قیمت سهام ندارند، ارقام سود (ضرر) از قانون بنفورد پیروی می‌کنند.

فرضیه ۲: در شرکت‌هایی که خطر سقوط قیمت سهام و مدیران غیرموظف بیش از ۵۰٪ دارند، ارقام سود (ضرر) از قانون بنفورد پیروی می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش

بر اساس هدف، پژوهش‌های علمی را می‌توان به سه گروه بنیادی، کاربردی و علمی تقسیم کرد. این پژوهش از لحاظ هدف، پژوهش کاربردی و به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات پژوهش (طرح پژوهش)، پس‌رویدادی است؛ چراکه از اطلاعات گذشته شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها و استنتاج، توصیفی-همبستگی است.

روش گردآوری اطلاعات (میدانی، کتابخانه‌ای و غیره)

الف) اطلاعات مربوط به ادبیات موضوعی پژوهش شامل مبانی نظری و پیشینه و سوابق پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین بخشی نیز از طریق جستجو در اینترنت و مراجعه به مراکز علمی و دانشگاهی به دست می‌آید.

ب) اطلاعات مورد نیاز به منظور بررسی و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج می‌شود.

متغیرهای پژوهش

ریسک سقوط قیمت سهام^۱: از معیار هاتن و همکاران (۲۰۰۹) به منظور اندازه‌گیری این

متغیر، استفاده شده است. براساس مطالعه‌ای که توسط هاتن و همکاران (۲۰۰۹) انجام شد دوره افت در یک سال مالی معین دوره‌ای است که بازده ماهانه مشخص شده برای شرکت ۳/۲ برابر انحراف معیار بازده ماهانه مشخص شده آن است. این تعریف با فرض بهنجار بودن براساس مفهوم آماری است. توزیع بازده خالص ماهانه شرکت، نوساناتی در فاصله متوسط به علاوه ۳/۲ انحراف معیار و میانگین منفی ۳/۲ انحراف معیار از جمله نوسان است، در نظر گرفته می‌شود طبیعی و نوسانات خارج از این فاصله غیرطبیعی است. با توجه به اینکه کاهش قیمت سهام نوعی غیرمعمول است، عدد ۳/۲ مرز نوسانات طبیعی و غیرعادی است. در این مطالعه، خطر کاهش قیمت سهام یک متغیر مجازی است که اگر شرکت در طول سال مالی حداقل یک دوره افت را تجربه کرده باشد، ارزش آن صفر و در غیر این صورت یک است (کیم و همکاران، ۲۰۱۶).

رابطه (۱) بازده ماهانه ویژه شرکت را نشان می‌دهد:

رابطه (۱) _____

$$W_{j,t} = Ln(1 + e_{j,t})$$

که در این رابطه:

$W_{j,t}$: همان بازده ماهانه خالص شرکت زد در ماه t طی سال مالی می‌باشد.

$e_{j,t}$: همان بازده باقیمانده سهام شرکت زد در ماه t بوده و در واقع باقیمانده یا خطای مدل در

رابطه (۲) می‌باشد:

$$r_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 r_{m,t-2} + \beta_2 r_{m,t-1} + \beta_3 r_{m,t} + \beta_4 r_{m,t+1} + \beta_5 r_{m,t+2} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در این رابطه:

$r_{i,t}$: بازده سهام شرکت i در ماه t طی سال مالی.

$r_{m,t}$: بازده بازار در ماه t است. برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شروع شاخص ماه از شاخص

پایان ماه کسر می‌شود و نتیجه بر ابتدای شاخص ماه تقسیم می‌شود. رابطه (۲) با استفاده از روش

رگرسیون چندمتغیره و روش داده ترکیبی تخمین زده شده و از باقیمانده، در رابطه (۱) به منظور

محاسبه بازده ماهانه شرکت بهره‌گیری می‌شود.

استقلال هیئت مدیره: از نسبت مدیران غیرموظف به همه اعضای هیئت مدیره در این تحقیق بهره‌گیری شده است.

جامعه و نمونه آماری

برای اینکه نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری موردنظر باشد، از روش حذف نظام‌مند استفاده شده است. برای این منظور ۴ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و مابقی حذف می‌شوند.

۱. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند بوده و شرکت‌ها طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ سال مالی و نوع فعالیت خود را تغییر نداده باشند.
 ۲. به لحاظ ساختار گزارشگری جداگانه‌ای که شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی (لیزینگ‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی) دارند، از نمونه حذف می‌شوند.
 ۳. اطلاعات مالی آنها در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ در دسترس باشد.
 ۴. شرکت‌های نمونه آماری در دوره زمانی مدنظر پژوهش، فعال بوده‌اند.
- باتوجه به شرایط فوق تعداد ۱۲۴۸ سال-شرکت طی مدت ۸ سال جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند.

روش تجزیه و تحلیل آماری

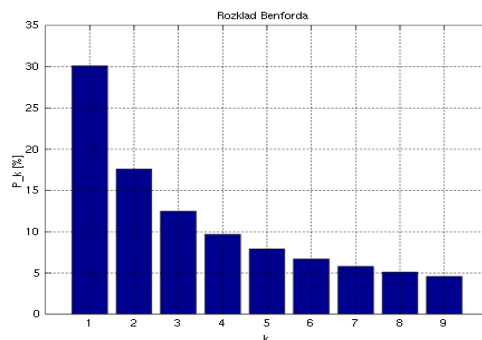
قانون بنفورد

در نتیجه افزایش قدرت و سرعت دستگاه‌های پردازش اطلاعات، تمایل به استفاده از مدل ریاضی قدیمی به نام قانون بنفورد افزایش یافته است. این قانون بیان می‌کند که اولین تعداد داده‌های طبیعی توزیع یکنواختی را دنبال نمی‌کند، بلکه توزیع لگاریتمی مشخصی را دنبال می‌کند. بنابراین، اعداد کم‌ارزش بیشتر از سایر اعداد رخ می‌دهند. بنابراین، قانون حاضر چارچوبی

ارزشمند برای تخمین دقت مقادیر داده‌ها فراهم می‌کند و الگوهای ناهنجار را در مجموعه داده‌ها شناسایی می‌کند (رستمی و جعفری درگیری، ۱۳۹۲). قانون بنفورد، همچنین به‌عنوان قانون رقم اولیه شناخته می‌شود، در بسیاری از مشاهدات طبیعی، رقم اولیه به‌طور خاص توزیع می‌شود. نیوکامب^۱ (۱۸۸۱) ستاره‌شناس و ریاضی‌دان اولین مقاله در خصوص استفاده بیشتر از ارقام کوچک‌تر را که اینک به قانون بنفورد معروف شده است در «مجله امریکایی ریاضیات»^۲ منتشر نمود. او با مشاهده یک کتاب، نتیجه گرفت که صفحات کتاب‌هایی که اولین صفحات آنها ارقام کوچک را مورد بحث قرار داده‌اند در مقایسه با صفحاتی که ارقام بزرگ‌تر را مورد بحث قرار داده‌اند، بیشتر کهنه و پاره شده‌اند. او از این الگو استنباط نمود که همکارانش جدول‌هایی را که با رقم یک شروع می‌شوند، اغلب بیشتر از جدااولی که با رقم ۲، ۳ و ... شروع می‌شوند به کار می‌برند. نتیجه واضح این بود که اعداد بیشتری وجود دارند که به جای ارقام بزرگ‌تر با رقم ۱ شروع می‌شوند. بنفورد^۳ (۱۹۳۸) دریافت که اعداد اغلب به‌صورت الگویی هستند که در آن اعداد کوچک اغلب در وهله اول نسبت به اعداد بزرگ‌تر قرار دارند. در ریاضیات، وقوع چنین فرکانس‌هایی به «قانون بنفورد» معروف است. (هیل^۴، ۱۹۹۵). قانون بنفورد بیان می‌کند که در مشاهدات بسیاری از پدیده‌های طبیعی، اعداد به‌طور تصادفی و نابرابر در موقعیت‌های مختلف توزیع می‌شوند. قانون بنفورد توزیع مجزا و نامتقارن تعداد زیادی از مشاهدات شمارش یا ناشی از رویدادهای طبیعی است (فلاح و دانش‌زاده، ۱۳۹۲) و با توجه به اینکه حسابداری، علمی است که با ارقام سروکار دارد، قانون بنفورد می‌تواند به‌عنوان یک شاخص جدید پا به این عرصه بگذارد. با استفاده از قانون بنفورد یا قانون رقم اول می‌توان هر رقم صورت‌های مالی را به‌عنوان توزیعی از اعداد بیان نمود. اگر شرکت‌ها از قانون بنفورد استفاده کنند، انحراف از آن می‌تواند خط قرمزی برای سرمایه‌گذاران و حسابرسان ایجاد کند که این انحراف می‌تواند برای طبقه‌بندی شرکت‌ها به‌عنوان «طبقه با ریسک بالا» مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا که عدم تطابق اعداد با قانون بنفورد

1. Newcomb
2. American Journal of Mathematics
3. Benford
4. Hill

می‌تواند به معنای دستکاری شدن داده‌ها باشد. از ر و باباکان^۱ (۲۰۱۳) از قانون بنفورد برای ارزیابی کیفیت افشای مانده ترازنامه سالانه بانک‌ها در ترکیه استفاده کردند. آمیرام^۲ و همکاران (۲۰۱۵) نیز از قانون بنفورد برای ساخت یک معیار جهت کشف تقلب و خطا در صورت‌های مالی استفاده کرده‌اند. ریاضیدانی به نام هیل در سال ۱۹۹۵، اسنادی از قانون بنفورد و همچنین توضیحی درباره نحوه اعمال آن بر داده‌های سهام خصوصی بورس، آمار سرشماری و داده‌های حسابداری خصوصی را ارائه داد. وی خاطر نشان کرد که توزیع بنفورد، مانند توزیع عادی، یک پدیده تجربی قابل مشاهده است. منطق هیل بر این واقعیت استوار است که اعداد در گروه‌هایی که توزیع بنفورد را دنبال می‌کنند، مخلوطی از توزیع‌های دیگر است. اگر توزیع‌ها به‌طور تصادفی انتخاب شده و از هر یک از این توزیع‌ها نمونه‌های تصادفی انتخاب شوند، فرکانس وقوع اعداد برای این نمونه‌های جمع شده با توزیع بنفورد مطابقت خواهد داشت؛ حتی اگر توزیع‌های مستقل کاملاً از قانون بنفورد پیروی نکنند (هیل، ۱۹۹۵). قانون بنفورد یا قانون رقم اول بیان می‌کند که در فهرستی از اعدادی که در بسیاری از پدیده‌های زندگی واقعی (اما نه همه) وجود دارد، تعداد اصلی اعداد به روشی خاص و غیریکنواخت توزیع می‌شود. طبق این قانون، تقریباً در یک سوم موارد، عدد اول ۱ است و اعداد بزرگ‌تر در عدد اول به ترتیب با فرکانس کم‌تری اتفاق می‌افتند و عدد ۹ کم‌تر از یک‌بار در هر بیست رقم پدیدار می‌شود.



نمودار ۱. قانون بنفورد یا قانون رقم اول

1. OZer and Babacan
2. Amiram

هر ستون یک عدد را نشان می‌دهد. ارتفاع هر ستون، نشان‌دهنده درصد احتمال ظاهر شدن عدد در رقم اول اعداد اندازه‌گیری شده است. به‌عنوان مثال، در این نمودار، ستون ۴ دارای ارتفاع حدود ۱۰٪ است؛ یعنی در ۱۰٪ موارد، اولین رقم ۴ است.

تعیین انجام دست‌کاری سود با استفاده از قانون بنفورد

برای بررسی اینکه آیا شرکت‌ها سود را مدیریت و دست‌کاری می‌کنند یا خیر، برخلاف روش‌های معمول سایر محققان، از روش‌هایی به نام قانون بنفورد استفاده می‌شود. از آنجا که توجه سرمایه‌گذاران به رقم اول سود بیشتر است، دست‌کاری در رقم اول سمت چپ سود در نظر گرفته می‌شود. برای این منظور، ابتدا با کمک رابطه زیر (هیل، ۱۹۹۵)، احتمال درصد موردانتظار هر یک از ارقام ۰ تا ۹ در اولین موقعیت‌های سود محاسبه می‌شود.

$$p\{d_1, \dots, d_k\} = \log_{10} \left(1 + \left(\sum_{i=1}^k d_i 10^{k-i} \right) \right) \quad \text{رابطه (۳)}$$

$$d_1 = 1, 2, 3, \dots, 9 \quad d_i = 1, 2, \dots, 9 \quad j = 1, 2, 3, \dots, k$$

حال باید بررسی شود که آیا توزیع واقعی ارقام با توزیع موردانتظار (بنفورد) متفاوت است و آیا این تفاوت قابل توجه است؟ به‌عبارت‌دیگر، اگر شماره سود شرکت مطابق قانون بنفورد نباشد و قابل توجه باشد، این نشان می‌دهد که مدیریت شرکت سود را دست‌کاری می‌کند. برای بررسی اهمیت (معنی‌داری) اختلاف فرکانس واقعی و موردانتظار برای هر یک از اعداد از صفر تا ۹، از آمار استاندارد Z استفاده می‌شود که از رابطه ۴ به‌دست‌آمده است. اکنون باید بررسی شود که آیا توزیع واقعی ارقام با توزیع موردانتظار (بنفورد) متفاوت هستند و اینکه آیا این تفاوت قابل توجه است؟ به‌عبارت‌دیگر، اگر شماره سود شرکت مطابق قانون بنفورد نباشد و قابل توجه باشد، این نشان می‌دهد که مدیریت شرکت سود را دست‌کاری می‌کند. برای بررسی معنی‌داری اختلاف فرکانس واقعی و موردانتظار برای هر یک از اعداد صفر تا ۹، از آمار استاندارد Z استفاده می‌شود که از رابطه زیر به‌دست‌آمده است.

$$Z = \frac{p_o - np_e}{\sqrt{np_e(1-p_e)}} \quad \text{رابطه (۴)}$$

p_e همان درصد فراوانی واقعی رقم اول سود می‌باشد و p_o همان درصد فراوانی موردانتظار رقم اول براساس قانون بنفورد و درنهایت n تعداد کل مشاهدات می‌باشد.

اعداد ۰ تا ۹ به سه گروه ۰ تا ۳، ۴ تا ۶ و ۷ تا ۹ تقسیم می‌شوند و سپس با بهره‌گیری از فرمول هیل (۱۹۹۵) درصد فرکانس مورد انتظار هر کدام از این گروه‌ها در رقم اول کسب می‌شود. برای محاسبه درصد واقعی ارقام سود، سود شرکت‌ها ابتدا در صفحه گسترده اکسل طبقه‌بندی می‌شود. سپس با کم کردن اولین رقم آن از طریق تابع Mid؛ درصد فرکانس هر رقم از ۰ تا ۹ محاسبه می‌شود. چنانچه مقدار کسب‌شده از مقدار Z در نقطه بحرانی بیشتر باشد، فرضیه هیپوترمی H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر، سودهای گزارش شده شرکت‌ها از قانون بنفورد پیروی نمی‌کنند، به عبارتی، دست‌کاری یا مدیریت سود صورت گرفته است.

همچنین، به منظور بررسی اهمیت تفاوت بین فرکانس‌های به دست آمده واقعی و فرکانس‌های موردانتظار، از آمار کای (مجذور کای) به طور کلی به شرح رابطه (۵) استفاده می‌شود:

$$X^2 = \sum_{i=0}^9 \frac{|p_o - np_e|^2}{np_e} \quad \text{رابطه (۵)}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

از آنجا که تجزیه و تحلیل داده‌ها معمولاً با محاسبه آمار خلاصه مانند میانگین، انحراف معیار، میانگین، حداقل، حداکثر و ... انجام می‌شود، به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌های اولیه، ابتدا اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای وابسته و توضیحی در جدول (۲) در این مطالعه انجام شد و برای ارائه نمای کلی از داده‌های تحلیل شده در این مطالعه مشخص شد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در مطالعه

| متغیر | ویژگی | میانگین | میان | حداقل | حداکثر | انحراف معیار | چولگی | کشیگی |
|----------------------|-------|----------|----------|-------------|------------|--------------|-------|-------|
| سود و زیان | | ۸۴۲۲۹۵/۰ | ۱۱۶۲۴۷/۰ | -۱۱۱۸۹۷۸۳/۰ | ۳۰۸۸۷۴۷۶/۰ | ۲۹۵۰۰۴۰/۹ | ۵/۱ | ۳۵/۱ |
| متغیر | تعداد | | درصد | | | | | |
| نسبت مدیران غیرموظف: | | | | | | | | |
| کم‌تر از ۵۰ درصد | ۶۵۱ | ۵۲/۲ | | | | | | |
| بیشتر از ۵۰ درصد | ۵۹۷ | ۴۷/۸ | | | | | | |
| ریسک سقوط قیمت سهام: | | | | | | | | |
| خیر | ۶۲۵ | ۵۰/۱ | | | | | | |
| بلی | ۶۲۳ | ۴۹/۹ | | | | | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی

در راستای فرضیه اول این مطالعه در خصوص دست‌کاری سود در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام، رقم سود (زیان) در گروه شرکت‌های با ریسک (بدون ریسک) سقوط قیمت سهام مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳. دست‌کاری سود در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام

| رقم اول | ۳-۱ | ۶-۴ | ۹-۷ | ۹-۱ |
|-----------------------------|------|------|-----|-----|
| تعداد ارقام مشاهده شده | ۴۲۰ | ۱۷۴ | ۲۹ | ۶۲۳ |
| درصد ارقام مشاهده شده | ۶۷/۴ | ۲۷/۹ | ۴/۷ | ۱۰۰ |
| تعداد پیش‌بینی شده (بنفورد) | ۳۷۵ | ۱۵۱ | ۹۷ | ۶۲۳ |

| | | | | |
|--------|-------|-------|-------|----------------------------|
| ۱۰۰ | ۱۵/۵ | ۲۴/۳ | ۶۰/۲ | درصد پیش بینی شده (بنفورد) |
| | ۶/۶۰۸ | ۱/۶۷۹ | ۲/۶۵۵ | آماره Z |
| | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۹۳ | ۰/۰۰۸ | مقدار احتمال Z |
| ۵۵/۹۶۷ | | | | آماره کای دو |
| ۰/۰۰۰ | | | | مقدار احتمال کای دو |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۳) نتایج حاصل از تطبیق توزیع ارقام سود (زیان) با توزیع حاصل از روش بنفورد را نشان می‌دهد. در جدول (۳) که مربوط به شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد، مقدار احتمال آماره Z در گروه‌های ۳-۱ و ۷-۹ کم‌تر از ۰/۰۵ بود و نشان داد در این گروه‌ها از ارقام مورد بررسی اختلاف با ارقام حاصل از روش بنفورد دارای تفاوت معنی دار است. همچنین مقدار آماره آزمون کای دو کم‌تر از ۰/۰۵ بود و نشان داد ارقام سود (زیان) شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام از قانون بنفورد تبعیت نمی‌کند.

جدول ۴. دست کاری سود در شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام

| ۹-۱ | ۹-۲ | ۶-۴ | ۳-۱ | رقم اول |
|-------|-------|-------|-------|-----------------------------|
| ۶۲۳ | ۹۰ | ۱۵۱ | ۳۸۲ | تعداد ارقام مشاهده شده |
| ۱۰۰ | ۱۴/۴ | ۲۴/۲ | ۶۱/۳ | درصد ارقام مشاهده شده |
| ۶۲۳ | ۹۷ | ۱۵۱ | ۳۷۵ | تعداد پیش بینی شده (بنفورد) |
| ۱۰۰ | ۱۵/۵ | ۲۴/۳ | ۶۰/۲ | درصد پیش بینی شده (بنفورد) |
| | ۰/۵۵۳ | ۰/۰۳۲ | ۰/۴۰۱ | آماره Z |
| | ۰/۵۸۱ | ۰/۹۷۴ | ۰/۶۸۸ | مقدار احتمال Z |
| ۰/۵۶۷ | | | | آماره کای دو |
| ۰/۷۵۳ | | | | مقدار احتمال کای دو |

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه، فرضیه اول این مطالعه درخصوص دست کاری سود در شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام، رقم سود (زیان) در گروه شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام بررسی گردید. در جدول (۴) که مربوط به شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام است، مقدار احتمال آماره Z بیشتر از ۰/۰۵ بود و نشان داد در همه گروه‌های ارقام مورد بررسی، ارقام موجود اختلاف معنی داری با ارقام حاصل از روش بنفورد نداشتند. همچنین مقدار آماره آزمون کای دو بیشتر از ۰/۰۵ بود و نشان داد ارقام سود (زیان) شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام از قانون بنفورد تبعیت می‌کند.

جدول ۵. دست کاری سود در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام و نسبت مدیران غیرموظف

بیشتر از ۵۰ درصد

| ۹-۱ | ۹-۷ | ۶-۴ | ۳-۱ | رقم اول |
|-------|-------|-------|-------|-----------------------------|
| ۳۰۷ | ۳۱ | ۸۸ | ۱۸۸ | تعداد ارقام مشاهده شده |
| ۱۰۰ | ۱۰/۱ | ۲۸/۷ | ۶۱/۲ | درصد ارقام مشاهده شده |
| ۳۰۷ | ۴۸ | ۷۵ | ۱۸۵ | تعداد پیش‌بینی شده (بنفورد) |
| ۱۰۰ | ۱۵/۵ | ۲۴/۳ | ۶۰/۲ | درصد پیش‌بینی شده (بنفورد) |
| | ۲/۱۰۶ | ۱/۴۴۴ | ۰/۲۶۲ | آماره Z |
| | ۰/۰۳۵ | ۰/۱۴۹ | ۰/۷۹۳ | مقدار احتمال Z |
| ۸/۲۱۹ | | | | آماره کای دو |
| ۰/۰۱۶ | | | | مقدار احتمال کای دو |

منبع: یافته‌های پژوهش

در راستای فرضیه دوم این مطالعه درخصوص تأثیر نسبت مدیران غیرموظف بر دست کاری سود در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام، رقم سود (زیان) در گروه شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام به تفکیک شرکت‌های دارای نسبت مدیران غیرموظف بیشتر و کم‌تر از ۵۰ درصد بررسی شد. در جدول (۵) که مربوط به شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام و

نسبت مدیران غیرموظف بیشتر از ۵۰ درصد می‌باشد، مقدار احتمال آماره Z فقط در ارقام ۷-۹ کمتر از ۰/۰۵ بود و نشان داد در بقیه گروه‌های ارقام موردبررسی اختلاف معنی‌داری با ارقام حاصل از روش بنفورد نداشتند.

جدول ۶. دست‌کاری سود در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام و نسبت مدیران غیرموظف کم‌تر از ۵۰ درصد

| رقم اول | ۳-۱ | ۴-۶ | ۷-۹ | ۱-۹ |
|-----------------------------|--------|-------|-------|-----|
| تعداد ارقام مشاهده شده | ۲۳۲ | ۸۶ | ۲ | ۳۱۶ |
| درصد ارقام مشاهده شده | ۷۳/۴ | ۲۷/۲ | ۰/۶ | ۱۰۰ |
| تعداد پیش‌بینی شده (بنفورد) | ۱۹۰ | ۷۷ | ۴۹ | ۳۱۶ |
| درصد پیش‌بینی شده (بنفورد) | ۶۰/۲ | ۲۴/۳ | ۱۵/۵ | ۱۰۰ |
| آماره Z | ۳/۵۶۲ | ۰/۹۴۲ | ۸/۰۹۶ | |
| مقدار احتمال Z | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴۶ | ۰/۰۰۰ | |
| آماره کای دو | ۶۳/۲۹۴ | | | |
| مقدار احتمال کای دو | ۰/۰۰۰ | | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۶) که مربوط به شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام و نسبت مدیران غیرموظف کم‌تر از ۵۰ درصد می‌باشد، مقدار احتمال آماره Z در همه گروه‌های ارقام به‌جز گروه ارقام ۴-۶ کم‌تر از ۰/۰۵ بود و نشان داد در بیشتر گروه‌ها ارقام موردبررسی اختلاف معنی‌دار با ارقام حاصل از روش بنفورد دارد. مقایسه مقدار احتمال آماره کای دو در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام که نسبت مدیران غیرموظف بیشتر از ۵۰ درصد داشتند با شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام که نسبت مدیران غیرموظف کم‌تر از ۵۰ درصد داشتند، نشان داد آماره آزمون در شرکت‌های با نسبت مدیران غیرموظف کم‌تر بزرگ‌تر می‌باشد و این موضوع، نشان‌دهنده

اختلاف بیشتر این شرکت‌ها با قانون بنفورد می‌باشد. بنابراین، مشاهده شد که در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام، اختلاف با قانون بنفورد در مواردی که نسبت بیشتر مدیران غیرموظف داشتند، کم‌تر بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله‌ای که امروز با وجود افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی کاربران داده‌های مالی مشاهده می‌کنیم، اتکای زیاد به تعداد گزارش‌های حسابداری (به‌ویژه سود حسابداری به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد) برای تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری است. این وابستگی غیرمنطقی باعث انگیزه‌های زیادی در مدیران می‌شود که این اعداد را به نفع خودشان دست‌کاری (مدیریت) کنند. در این تحقیق تلاش می‌شود تا میزان دست‌کاری سود با در نظر گرفتن نقش مدیران غیرموظف و ریسک سقوط قیمت سهام با استفاده از قانون بنفورد و اطلاعات مالی ۱۲۴۸ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ از شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که ارقام سود (زیان) شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام از قانون بنفورد تبعیت نمی‌کنند. این در حالی است که ارقام سود (زیان) شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام از این قانون تبعیت می‌نمایند. در واقع، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در شرکت‌های بدون ریسک سقوط قیمت سهام دست‌کاری ارقام سود نسبت به شرکت‌هایی که دچار این نوع ریسک شده‌اند، کم‌تر بوده است. همچنین مشاهده شد در شرکت‌های با ریسک سقوط قیمت سهام، اختلاف با قانون بنفورد در مواردی که نسبت بیشتر مدیران غیرموظف حضور داشتند، کم‌تر بود. شهاب^۱ و همکاران (۲۰۲۰) بیان کردند که وجود مدیران ارشد با قدرت نفوذ بالاتر موجب کاهش خطر سقوط قیمت سهام می‌شوند. از نظر جیون^۲ (۲۰۱۹) وجود مدیران با استقلال بیشتر در کاهش خطر سقوط قیمت سهام تأثیرگذار است.

1. Shahab
2. Jeon

احمدی و درسه (۱۳۹۵) بیان کردند که استقلال اعضای هیئت‌مدیره تأثیری معنی‌دار و منفی در کاهش خطر سقوط قیمت سهام دارد. نقش مدیران غیرموظف در ایران مطابق با نظریه نمایندگی است و توانایی این ابزار نظارتی در کاهش مدیریت سود شرکت‌ها قوی است. به این دلیل که اعضای موظف، به دلیل دخالت در روند اجرایی شرکت انگیزه و اختیار لازم را در مدیریت سود خواهند داشت ولیکن اعضای غیرموظف به واسطه نقش نظارتی مدیریت کلان شرکت از انگیزه کم‌تری در مدیریت سود برخوردارند (رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱).

درحقیقت، کارایی مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره از جایی گرفته می‌شود که مدیران غیراجرایی به علت علائق خودشان حاضر به تبانی با مدیران نمی‌باشند. علت این امر این است که اکثر مدیران غیرموظف شرکت‌های دیگر سمت‌های اجرایی یا تصمیم‌گیری دارند و بنابراین مشتاقانه به دنبال کسب شهرت به عنوان یک متخصص تصمیم‌گیری و داشتن فرصت‌های شغلی بهتر در آینده هستند. عدم همسان‌سازی مشوق‌های مدیران فعلی و غیرموظف، نظارت بر حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد و همچنین هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد. نتایج این تحقیق با تحقیقات موسوی شیری و همکاران (۱۳۹۵)، هاشمی و حریری (۱۳۹۶)، ایندرا بودیمان و هدایت (۲۰۱۶) و جن^۱ و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

پیشنادهای کاربردی

باتوجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر می‌توان بیان نمود که افزایش نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به اعضای موظف دارای تأثیر منفی بر دستکاری سود شرکت‌هاست. این موضوع نشان‌دهنده توانایی این ابزار نظارتی در کاهش مدیریت سود شرکت‌ها و آشنایی بازار با نقش اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و همچنین اهتمام این اعضا در امر حاکمیت شرکتی که در آن به صورت غیرموظف عضو هیئت‌مدیره هستند، می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، همان‌گونه که در متن آئین‌نامه راهبری شرکت‌ها ذکر شده است، اکثریت اعضای هیئت‌مدیره به صورت غیرموظف باشند و این نسبت افزایش یابد. ضمناً

1. Chen

اعضای غیرموظف وظایف خود را راجع به تشکیل کمیته‌های مربوطه (از جمله کمیته حسابرسی، کمیته انتصابات و ...) و همچنین گزارشات ویژه کمیته‌های مربوطه از جمله گزارش پایداری شرکت‌ها و ... انجام دهند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی هنگام مطالعه صورت‌های مالی شرکت‌ها به عامل ترکیب سهامداران آن نیز توجه کنند.

سرمایه‌گذاران، هنگام استفاده از صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها یا فروش سهام باید به پدیده مدیریت سود توجه نمایند. اتکا به سود هر سهم، بدون در نظر گرفتن اثرات احتمالی مدیریت سود می‌تواند دارای نتایج نامطلوبی باشد. نتایج این مطالعه باب جدیدی را جهت بهبود فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران باز می‌کند. ارزیابی جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی به سرمایه‌گذاران برای تفکر درباره توانایی مدیریت جهت تغییر سودهای حسابداری به منظور اهداف فرصت‌طلبانه و همچنین ارزیابی اعتبار سودهای حسابداری کمک می‌کند. نتایج این مطالعه به مشارکت‌کنندگان بازار کمک می‌کند تا بدانند برای ارزیابی گزارشات مالی باید کدام عوامل را به حساب بیاورند.

سازمان بورس اوراق بهادار تهران باید نظارت کافی بر گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در این سازمان را اعمال کند. نتایج این تحقیق می‌تواند به این سازمان برای متمرکز کردن نظارت بر شرکت‌هایی که احتمال مدیریت سود برای آنها بیشتر است، کمک کند. همچنین، این سازمان می‌تواند برای افزایش شفافیت گزارشگری مالی، زمینه حضور تحلیل‌گران مالی و بازارگردان‌ها را هرچه بیشتر فراهم آورد.

پیشنهاد می‌شود که با گسترش مطالعات و ادبیات نظری حاکمیت شرکتی، فعالان بورس، اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها، سهامداران، شرکت‌های حسابرسی، پژوهشگران و ... با این مباحث بیشتر آشنا شده تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در حاکمیت شرکتی و نتیجتاً تأثیر بر افزایش کیفیت سود شرکت‌ها پردازند.

محدودیت‌ها

نتایج و پیشنهادات ارائه شده در این تحقیق با توجه به محدودیت‌هایی که به ثبات و روایی یافته‌های پژوهش لطمه می‌زند و در ادامه به اهم آنها اشاره شده است، قابل استفاده و کاربرد است:

مهم‌ترین محدودیت در انجام این تحقیق، تعدد متغیرهای مزاحم است که ممکن است روابط بین متغیرها را تحت تأثیر قرار دهد؛ از جمله، مهم‌ترین آنها می‌توان به عوامل کلان اقتصادی نظیر نرخ تورم، نرخ بهره و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی کشورمان که بر سرمایه‌گذاری‌ها و معاملات بورس تأثیر فراوان دارد، اشاره نمود. البته این موضوع در اغلب پژوهش‌ها در حوزه علوم انسانی مطرح است.

با توجه به وجود بندهای حسابرسی که آثار آن بر صورت‌های مالی برای محقق ناشناخته است، تحقیق حاضر با اتکا به صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست منتشر شده توسط شرکت‌ها صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق حاضر با توجه به دسترسی داده‌ها در مورد شرکت‌های بورسی انجام شده است، لذا در مورد تعمیم یافته‌ها به سایر شرکت‌ها باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

با توجه به بررسی راهبری شرکتی بر خطر سقوط قیمت سهام در صنایع مختلف در تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی تأثیر سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی از قبیل حساب‌برسان مستقل، نظارت قانونی، کنترل‌های داخلی و ... بر مدیریت سود بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی تأثیر عوامل دیگر مربوط به سرمایه‌گذاران نهادی از قبیل عمر و مدت زمان مالکیت آن نیز بر مدیریت سود مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- احمدی، محمدرضان و درسه، صابر (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر خطر سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۸(۳): ۴۲-۱۹.
- اسماعیل‌زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زند عباس‌آبادی، عباس (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، **حسابداری مدیریت**، ۳(۴-۷): ۷۹-۹۱.
- بادآورنهندي، یونس و داداش‌زاده، قادر (۱۳۹۶)، چرخه عمر شرکت و ریسک سقوط و جهش قیمت سهام، **مدلسازی ریسک و مهندسی مالی**، ۲(۱): ۹۸-۱۱۴.
- پورحسین، سمیه (۱۳۹۸)، بررسی مطابقت داده‌های بورس اوراق بهادار تهران با قانون بنفورد، **مدیریت دارایی و تأمین مالی**، ۷(۱): ۱۰۳-۱۱۲.
- جمشیدی نوید، بابک و مهری، عاطفه (۱۳۹۷)، رابطه دستکاری سود و مدل Z-Score در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری مدیریت و صنایع ایران.
- خیام‌پور، اکبر؛ خردیار، سینا؛ رضایی، فرزین و وطن‌پرست، محمدرضا (۱۳۹۹)، ارزیابی سودمندی در تصمیم افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک، **مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار**، ۱۱(۴۲): ۴۱۹-۴۴۵.
- رستمی، محمدرضا و جعفری درگیری، اعظم (۱۳۹۲)، بررسی قانون بن فورد در بورس اوراق بهادار تهران، **پژوهش‌های مدیریت در ایران**، ۱۷(۱): ۹۵-۱۱۰.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ هیبتی، فرشاد؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله و نبوی‌چاشمی، سیدعلی (۱۳۹۱)، ارائه الگوی سنجش تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران، **حسابداری مدیریت**، ۵(۱۲-۱): ۱۰۰-۷۹.
- شمس‌الدینی، کاظم؛ دانشی، وحید و محلاتی راینی، محمدعلی (۱۳۹۷)، توانایی قانون بنفورد در کشف تقلب در دو صورت سود یا زیان و ترازنامه، **دانش حسابرسی**، ۱۸(۷۳): ۱۶۶-۱۸۷.
- فلاح، افشین و دانش‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۲)، قانون بنفورد و کاربردهای آن، **اندیشه آماری**، ۱۸(۱): ۷۱-۸۴.
- کاشی، حدیث (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و خطر سقوط قیمت سهام باتأکید بر نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت و مدیران زن در هیئت‌مدیره، **رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری**، ۳۲: ۱۱۸-۱۳۹.
- محمدی، حمید؛ صالحی‌راد، معصومه و حاجی‌زاده، سعید (۱۳۹۰)، شناسایی مدیریت آرایشی سود با استفاده از

قانون بنفورد، دانش حسابداری، ۱۱(۴۵): ۵۱-۶۷.

موسوی شیری، سیدمحمود؛ پیشوا، فاطمه و خلعتبری، حسن (۱۳۹۵)، ارزیابی مدیریت سود در سطوح محافظه‌کاری و سرمایه‌گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۲۳(۲): ۲۳۴-۲۱۳.

هاشمی، سیدعباس و حریری، امیرسینا (۱۳۹۶)، ارزیابی توانایی قانون بنفورد در شناسایی و پیش‌بینی کشف تقلب مالی، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۲۴(۲): ۲۸۳-۳۰۲.

- Amiram, D., Bozanic, Z. & Rouen, E. (2015). Financial Statement Errors: Evidence from the Distributive Characteristics of Financial Statement Numbers. *Review of Accounting Studies* 20, 1540-1593.
- Beasley, M. (1996). An empirical analysis between the board of director composition and financial fraud. *The Accounting Review*, 71, 443-466.
- Benford, F. (1938). Irregular Numbers. *Proceedings of the American Philosophical Society*, 78, 551-572.
- Chen, C., Kim, J. B., & Yao, L. (2017). Earnings smoothing: Does it exacerbate or constrain stock price crash risk?. *Journal of Corporate Finance*, 42, 36-54.
- El Mouaaouy, F., & Riepe, J. (2018). Benford and the Internal Capital Market: A Useful Indicator of Managerial Engagement. *German Economic Review*, 19(3), 309-329.
- Henselmann, K., Scherr, E. & Ditter, D. (2013). Applying Benford Law to Individual Financial Reports: An Empirical Study Based on SECXBRL Records. *Course papers in accounting evaluation auditing*.
- Hill, T. P. (1995). Base Mismatch Indicates Benford's Law. *Proceedings of the American Mathematical Society*, 123, 887-895.
- Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Fuzzy financial statements, R2 and risk of failure. *Journal of Financial Economics*, 94, 67-86.
- Indrabudiman, A. & Hidayat, T. (2016). Analysis of Benford's law for corporate evidence from Indonesia. *International Journal of Engineering Sciences and Research Technology*, 5(11), 1187-1207.
- Hu, J., Li, S., Taboada, A. G., & Zhang, F. (2020). Corporate board reforms around the world and stock price crash risk. *Journal of Corporate Finance*, 62, 101557.
- Kim, J.B., Luo, L., & Xei, H. (2016). Dividend payment and the risk of falling stock prices. www.ssrn.com.
- Jeon, K. (2019). Corporate governance and stock price crash risk. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 23(4), 1-13.
- Kothari, S. P., Shu, S., & Wysocki, P. D. (2009). Do managers withhold bad news?. *Journal of Accounting research*, 47(1), 241-276.
- Lin, F., Wu, C. M., Fang, T. Y., & Wun, G. C. (2014). The relationship between accounting conservatism, institutional investors and profit manipulation. *Economic Modeling*, 37, 164-174.
- Newcomb, s. (1881). Note on the Frequency of use of the Different Digits in Natural Numbers. *American journal of Mathematics*, 4, 39-40.
- Nigrini, M., & Miller, S. (2009). Data detection using Benford's second-order tests. *Audit: A*

- Journal of Practice and Theory, 28(2), 305-324.
- Ozer, J. and B. Babacan (2013). Benford Law and Digital Analysis: Application in the Turkish Banking Sector. *Journal of Business and Economic Research*, 4, 29-41.
- Shahab, Y. Ntim, C. G., Ullah, F. Yugang, Ch., & Ye, Z., (2020). CEO Power and Stock Price Crash Risk in China: Do Female Directors' Critical Mass and Ownership Structure Matter?. *International Review of Financial Analysis*, 68, 101457
- Sunder, S. (2010). *Riding the Accounting Train, From Crisis to Eighty Years of Crisis*, presented at the Conference on Financial Reporting, Auditing and Governance. Lehigh University, Bethlehem, Pennsylvania
- Xin, Y., Gu, X., & Li, T. (2015). The structure of industry competition, market power and the risk of falling stock prices. *Review of China Accounting and Finance*, 17(2), 1-46.
- Huang, Y., Niu, Z., & Yang, C. (2020). Testing firm-level data quality in China against Benford's Law. *Economics Letters*, 109182.